

اندیشه ورزی در آینه قرآن و نهج‌البلاغه

میترا فرازمندی*

علیرضا فقیهی**، فائزه ناطقی***

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی جایگاه اندیشه ورزی در قرآن و نهج‌البلاغه انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بود که از روش تحلیل و استنتاج استقرائی استفاده شد. جامعه اصلی پژوهش نهج‌البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها) و قرآن بود و نمونه پژوهش نیز برابر جامعه یعنی کل قرآن و نهج‌البلاغه بود. ابزار گردآوری داده نیز فیش‌برداری بود. یافته‌ها نشان می‌دهند به استناد آیات قرآن کریم و احادیث وارده از سوی ائمه به‌خصوص امیر المومنین علی (ع) در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه توجه خاصی به تفکر و اندیشه ورزی داده شده و می‌بایستی بر همه امور و وجوه زندگی فرد و جامعه تفکر و اندیشه ورزی حاکم باشد. لذا موضوعات اندیشه؛ روش‌های پرورش اندیشه و راههای اندیشه ورزی در قرآن و نهج‌البلاغه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌ورزی، قرآن، نهج‌البلاغه، امام علی (ع).

* دانشجوی دکتری علوم تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اراک،
mozghan_farazmandi@yahoo.com

** استادیار رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اراک،
faghihialireza@yahoo.com

*** استادیار رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اراک،
fn1345@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

۱. مقدمه

انسان موجودی متفکر است و جز از طریق تفکر و اندیشه ورزی قادر به حل مشکلات خویش نیست، لذا خداوند متعال انسان را موجودی دارای تفکر می‌داند و او را به اندیشه ورزی دعوت می‌نماید (سجادیه، ۱۳۹۲: ۱۶۰). از نظر اسلام تنها راه تکامل مادی و معنوی و رسیدن به جامعه مطلوب و مقصد اعلای انسانیت درست فکر کردن و اندیشه‌ورزی می‌باشد و همه گرفتاری‌های انسان نتیجه به کار نگرفتن اندیشه و جهل است (سلیمانی گیلانی، ۱۳۹۴).

در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که به اندیشه و تفکر اختصاص یافته است و همواره خداوند متعال مردم را بدین مهم فرامی‌خواند. از نگاه قرآن انسان رشد یافته کسی است که اهل اندیشه ورزی، دقت نظر و تشخیص باشد (سلیمانی گیلانی، ۱۳۹۴). در آیات قرآن مکرر خدای متعال مردم را به تفکر و تعقل و نگاه اندیشمندانه دعوت کرده است و در برخی آیات کسانی را که از نیروی عقل خویش بهره نمی‌برند سرزنش می‌کند. همانا "بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند" (انفال/ ۲۲) و در جای دیگر یکی از عوامل جهنمی شدن انسان را فرونهادن خردورزی خوانده و از قول این گونه افراد می‌فرماید "اگر ما (در دنیا) سخن انبیا شنیده یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم امروز از دوزخیان نبودیم" (ملک/ ۱۰)؛ قرآن مجید در حدود پنجاه مورد درباره تفکر و اهمیت آن و نکوهش اندیشه نکردن تأکید کرده است.

امام علی (ع) نیز چهارده قرن قبل بر این جوهر تابناک انسان تأکید کرده است. بر این اساس در نظر امام علی (ع) هیچ چیزی در عالم با خردمندی برابری نمی‌کند، «هیچ مالی از خرد سودمندتر نیست» و «هیچ خردی چون تدبیر نیست و هیچ دانشی چون تفکر نیست» (نهج البلاغه، ۱۳۸۲، حکمت ۱۱۳). توصیه‌های فراوان امام به اندیشیدن، نشان می‌دهد که رشد تفکر در انسان‌ها از اهداف اصلی حضرت است و امیر مؤمنان علی (ع) به وجود گوهر گران‌بهای عقل و اندیشه در انسان، آگاهی کامل داشت و در راه پرورش آن فراوان تلاش می‌کرد و در بزرگداشت این نعمت الهی می‌کوشید؛ به طوری که علم را با همه‌ی رفعت مقامش، بر اساس تفکر بنا می‌نهاد و نمی‌پذیرفت که چیز دیگری جز تفکر و اندیشیدن بتواند در این پایگاه رفیع جای بگیرد (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳).

امیر مؤمنان اولین کسی است که با منطقی عقل از اسلام دفاع کرده است و شهادت گمراهان و اقوال شکاکان را با این منطقی رد نموده است؛ ایشان در تفکر وسیع و عمیق خود

ممتاز و یگانه بود. آن حضرت حتی در گفتار یا کردار به موضوعی که جامعه بعداً از آن آگاه می‌شد می‌پرداخت، از هیچ‌یک از جنبه‌های موضوع غفلت نمی‌کرد و موضوع را عمیقاً بررسی می‌کرد و به مخفی‌ترین علل آن پی می‌برد و صحیح‌ترین نتایج مترتب بر آن را می‌شناخت و ارزیابی می‌کرد. امیر مؤمنان علیه‌السلام دقت بی‌نظیر و هوشی سرشار و حافظه‌ای نیرومند داشتند که همه‌ی حقایق جهان در آن‌ها جمع شده و گسترش یافته بود و در پایان از همه آن‌ها عناصری قوی شکل گرفته که اندیشه او را غذا داده و قوه‌ی تحلیل او را نیرومند ساخته بودند و بدین ترتیب راه داوری در امور گوناگون و مقایسه و تشخیص و تعمیم برای او هموار شده بود. امام علیه‌السلام می‌فرماید: خردها راهبران اندیشه‌ها و اندیشه‌ها راهبران دل‌ها و دل‌ها راهبران حس‌ها و حس‌ها راهبران اندام‌هاست (رضی، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و در جای دیگری می‌فرماید بدینست کسی است که از سود خرد و تجربه محروم بماند (نهج البلاغه، نامه ۷۱) و غنی کسی است که خرد دارد و درویش کسی است که نادان است (نهج البلاغه، حکمت ۵۴). امام در وصیت به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «آنکه بیندیشد بیناست» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

برخی از محققان، امام علی (ع) را نخستین منادی عقلانیت و آزادی اندیشه، در تاریخ اندیشه اسلامی دانسته‌اند و اگر نحله‌هایی مانند معتزله، در این زمینه، فضل و امتیازی دارند، به نحوی آن را از امام علی (ع) آموخته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۵ هـ.ق). از دیگر امتیازات ایشان این است که دین را قابل تفکر و شایسته تأمل و اندیشه ورزشی می‌داند و از این جهت، برخی دانشمندان مانند عقّاد، به او پدر علم کلام، لقب داده‌اند (نزهت، ۱۳۸۹).

در اهمیت تفکر و تعقل همین بس که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «ساعتی اندیشیدن بهتر از هفتادسال عبادت کردن است». در نهج البلاغه نیز دعوت به تفکر و اندیشه ورزشی با واژه‌های مختلفی همچون تدبر، نظر، تفکر، اعتبار، بیان شده است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰). علامه طباطبایی اشاره کرده‌اند که قرآن کریم بیش از سیصد آیه در باب تفکر و تعقل و تذکر دارد (باقری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۰۴)؛ بنابراین تفکر در عاقبت هر کاری باعث رستگاری است (دوگر، ۱۳۸۳: ۳۳۳). دکارت می‌گوید "فرهنگ و تمدن یک ملت به میزان شیوع فلسفیدن و اندیشیدن درست در افراد آن ارزشیابی می‌شود" (قایدی، ۱۳۸۳).

با این توصیف ضرورت و اهمیت اندیشه ورزشی و تفکر بیش‌ازپیش نمایان می‌گردد. پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته است، از جمله جوانبخت و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نقش اندیشه ورزشی در سبک زندگی اسلامی از منظر نهج البلاغه را

موردبررسی قرار داده و بر اساس یافته‌های پژوهش، تفکر و تعقل از اصول مهم است که در تمام لایه‌های زندگی به‌ویژه سبک زندگی تأثیرگذار است. در این پژوهش روش صحیح اندیشیدن، موانع اندیشه ورزی، راههای تفکر و رابطه خردورزی با سبک زندگی در سطوح مختلف بررسی شده است. سیاوشی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی دعوت به تعقل و نشانه‌های عقل‌گرایی در نهج‌البلاغه را موردبررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش رویکرد امام علی (ع) به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین پیشوایان و نیز مفسران دین اسلام در این رابطه نمایانده شده است و این امام همام نگاه ویژه و عنایت خاصی به امر تعقل و خردورزی در امور دین و دنیا دارد. اکبری و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی شیوه‌های آموزش بر پایه تفکر در نهج‌البلاغه، آموزش بر پایه تفکر را مؤثرترین نوع آموزش می‌دانند که این نوع آموزش، فراگیر را از حالت انفعال خارج کرده و تفکر او را برمی‌انگیزاند لذا با استناد به این پژوهش در قرآن به آن توصیه‌شده و حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه آموزش خود را بر پایه تفکر بنانهاده است. فرمهبینی فراهانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان اهمیت فلسفه ورزی اندیشیدن در نهج‌البلاغه انسان را موجودی متفکر معرفی کرده و بیشتر مردم را به تفکر، تعقل، اندیشیدن و فلسفیدن دعوت کرده‌اند و یافته‌ها حاکی از این می‌باشد که دین اسلام شدیداً طرفدار تعقل و تفکر است و اندیشه ورزی باعث می‌شود تا انسان از سطح نگری به ژرف‌نگری روی آورده و در مسائل مختلف اندیشه ورزی کند. کشاورز و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی ابعاد اندیشه ورزی از منظر قرآن کریم و دلالت‌های آن برای نظام آموزشی را موردبررسی قرار داده‌اند و لذا بر اساس یافته‌های پژوهش جریان پرورش اندیشه از منظر قرآن در چهار بُعد اصلی موضوع اندیشه، مراتب اندیشیدن، ملزومات جریان پرورش اندیشه و آفات اندیشه ورزی موردبررسی قرار گرفته است. نزهت (۱۳۸۹) در پژوهشی اندیشه ورزی تفکر خلاق از منظر نهج‌البلاغه را موردبررسی قرار داده‌اند و لذا بر اساس یافته‌های پژوهش مهم‌ترین امتیاز انسان، اندیشه ورزی می‌باشد و امام علی (ع) مقوله دین را مقوله تفکر می‌داند و در تحلیل اندیشه خلاق، با عنایت به دو نظریه تطبیقی، دیدگاه امام علی (ع) سابقه و تقدم چشمگیر دارد و لذا اندیشه و تفکر خلاق و تولیدگر، می‌تواند مشکل‌ترین مسئله انسان را حل نماید و این نوع تفکر به همین سبب موردتوجه مریبان و روان‌شناسان قرار گرفته است. فرج‌بخش (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان روش عقلانی در تربیت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه، روش عقلانی را یکی از روش‌های شناختی در تربیت دینی می‌داند و یافته‌ها حاکی از آن است که یکی از راه‌هایی که می‌تواند این معرفت و

شناخت را به انسان بدهد، روش عقلانی است. ناصح و ساکی (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی جایگاه عقل و تعقل در مبانی شیعه بیشترین اهمیت و ارزش را برای عقل و اندیشه قائل شده اند و عقل و شرع را مکمل هم و رابطه آنها را دوسویه و هماهنگ می‌دانند. امید (۱۳۸۰) با نگاهی به آراء امیر المؤمنین در بحث عقل و دین آن را مورد بررسی قرار داده است. در این نوشتار نخست مقدماتی در طرح آراء امام علی (ع) مطرح و در ادامه دیدگاه دیگر دین پژوهان و متفکران در موضوع مورد اشاره عنوان شده است تا اهمیت تاریخی و هم جایگاه دید سخن امام در این میان مشخص و به علاوه امکان و فرصت مطالعات و تأملات مقایسه‌ای فراهم آید. برنجکار (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان عقل و تعقل از دیدگاه امام علی (ع) موضوعات مختلفی در ارتباط با عقل را مورد بررسی قرار داده است که بیشتر این مباحث بیشتر بر مبنای سخنان امام علی (ع) در کتاب غررالحکم سامان یافته تا نهج البلاغه. بهشتی (۱۳۷۹) در پژوهش خود به روش عبرت‌آموزی که یکی از روش‌های بیدار ساز و خردپرور تربیتی است اشاره کرده و به لحاظ اینکه اهمیت خاصی در حوزه تربیت عقلانی دارد بایستی از ابعاد و جوانب گوناگون آن را مورد کندوکاو قرار داد. بیات (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان ایمان و خردورزی از دیدگاه امام علی (ع) می‌کوشد عدم تنافی بین ایمان (قلب) و خردورزی (عقل) را با استناد به کلام آن حضرت اثبات کند. شریعتمداری (۱۳۷۵) در پژوهش خود با اشاره به فواید تفکر و تعقل اظهار می‌دارد مشکلات زندگی در سایه تفکر و تعقل صحیح و قانونمند حل خواهد شد لذا یکی از کاربردهای فکر و اندیشه، انتخاب مسیر صحیح در زندگی است لذا عقل سلیم سبب نجات انسان می‌شود. گوکینگ و گیانگ (۲۰۱۰) در پژوهشی تدریس مستقیم مهارت‌های تفکر را که به نظر آنها ساده‌تر، علمی‌تر، مؤثرتر و امکان‌پذیرتر است، مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از این است که آموزش مهارت‌های تفکر نه تنها تفکر سطح بالاتر دانش آموزان را بهبود می‌بخشد، بلکه همچنین به آنها کمک می‌کند تا دانش، حل مسئله و تفکر خلاق را بهتر یاد بگیرند. مینگ شانگ (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی افزایش تفکر خلاق دانش آموزان توسط روش تدریس کلاس باز یکی از روش‌های افزایش تفکر خلاق را استفاده از کلاس باز می‌داند. ویگال (Wigal) (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان استفاده از تصاویر غنی در دوره تحصیلی خاص به منظور بهبود تفکر نظام‌مند استفاده از تصاویر غنی را عامل رشد تفکر می‌داند و می‌گوید تصاویر غنی به دانش آموزان کمک می‌کند تا درباره یک موقعیت به‌طور منظم فکر کنند.

با توجه به اهمیت موضوع که بیان شد و اینکه پژوهش‌های قبل به صورت کامل و بسیط اندیشه‌ورزی را از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه موردبررسی قرار نداده‌اند، لذا در این پژوهش محقق درصدد است تا با استناد به قرآن و نهج‌البلاغه مولای متقیان علی (ع) به توصیف و تبیین اندیشه ورزی در قالب دو سؤال زیر بپردازد:

۱- اندیشه ورزی در آئینه قرآن چگونه است؟

۲- اندیشه ورزی در آئینه نهج‌البلاغه امام علی (ع) چگونه است؟

۱.۱ روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه تحقیق شامل کلیه تفاسیر، ترجمه‌ها، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مجلات، سایت‌های اینترنتی و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشد. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس از منابع مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است. ابزار پژوهش نیز فیش‌برداری بوده است. با نظر به اهمیت موضوع و مسئله‌ای که برای محققین مطرح بود، ابتدا این امر موردتوجه قرار گرفت که در پیشینه‌های پژوهشی تا چه اندازه به این امر پرداخته شده است. لذا ابتدا واژه‌های کلیدی مرتبط با این موضوع و موضوعات و پژوهش‌های مرتبط در این زمینه مورد جستجو قرار گرفت، بنابراین، قرآن و کل کتاب نهج‌البلاغه و همین‌طور تفسیرهای موضوعی آیت‌الله مکارم شیرازی و تفسیر موضوعی دلشاد تهرانی و غررالحکم مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت. با نظر به قرآن و احادیث موجود در نهج‌البلاغه و همچنین، اندیشمندان مسلمان چگونه این احادیث را موردبحث قرار داده‌اند، کتاب‌ها و مقالات مختلف به‌منظور یک بررسی جامع جمع‌آوری گردید. سپس از آن‌ها فیش‌برداری به عمل آمد، در طی مطالعه و فیش‌برداری، سعی بر این بود که با توصیف نظام‌دار، مطاب مرتبط با اندیشه ورزی جمع‌آوری و تحلیل شود و اندیشه ورزی در آئینه قرآن و نهج‌البلاغه امام علی (ع) با نظر به این مبنای قوی شرح داده شوند. لذا برای این امر از روش تحلیل و استنتاج استقرائی استفاده شد. با نظر به توجه به استدلال‌های که در زمینه اندیشه ورزی در قرآن و نهج‌البلاغه و منابع مختلف به آن‌ها اشاره شده و فهم آن‌ها در این بستر، در طی مطالعه، یادداشت‌ها به‌عنوان طبقه‌هایی کدبندی و بر طبق تشابه و تفاوت آن‌ها، مقاله سازمان داده شد. برای بررسی اعتبار تحلیل‌ها از خود بازمینی محقق در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده استفاده شد. محقق همچنین از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری و تحلیل نمادها، نشانه‌ها و

سایر موارد در مرحله‌ی تحلیل داده که به اطمینان از قابلیت انتقال کمک می‌کند استفاده کرد. همچنین برای رسیدن به قابلیت تأیید یا همان تاییدپذیری در طی جمع‌آوری و تحلیل داده در طول تحقیق بررسی‌کننده داده‌های خام و کلیه‌ی یادداشت‌ها و اسناد را برای بازبینی‌های بعدی نگه‌داری کرده است. اعتبار درونی بر اساس انتخاب نمونه هدفمند و بر اساس پرمایگی اطلاعات ایجاد گردید. هرچند که پایایی مفهومی برای بررسی و ارزیابی تحقیق کمی است، اما این مفهوم در هر نوع تحقیقی می‌تواند کاربرد داشته باشد. در این پژوهش برای رسیدن به پایایی نتایج تحلیل در اختیار یک همکار پژوهشگر قرار داده شد و نتایج توسط این فرد بررسی شد، زیرا جهت رسیدن به نتایج معتبر نیاز بود یافته‌ها توسط یک همکار نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۲.۱ یافته‌های پژوهش

سؤال اول: اندیشه ورزی در آینه قرآن چگونه است؟

یکی از ویژگی‌های عمومی انسان اندیشه ورزی و تفکر اوست، با دقت در قرآن کریم درمی‌یابیم که نظام فکری اسلام، اهمیت و توجه خاصی به تفکر و اندیشه ورزی داده و همواره انسان را به تفکر و اندیشه ورزی دعوت نموده است. قرآن مجید حدود پنجاه مورد درباره تفکر و اهمیت آن و نکوهش اندیشه نکردن تأکید کرده است. با این توصیف می‌توان به ارزش و جایگاه اندیشیدن از دیدگاه قرآن پی برد. ابعاد پرورش اندیشه از منظر قرآن کریم را می‌توان در موارد زیر دانست:

۱.۲.۱ موضوع اندیشه در قرآن

نخستین مقوله‌ای که می‌توان به‌عنوان اولین بعد پرورش اندیشه در نظام تربیتی اسلام قلمداد نمود، موضوع اندیشه است. با نظر به گستردگی عرصه‌های فکر، می‌توان گفت همه انسان‌ها درگیر تفکرند و به این معنا همه متفکرند و اگر قومی به سبب نداشتن تفکر مورد نکوهش قرار گرفته است، فی‌الواقع نه به سبب نداشتن تفکر، بلکه به علت نداشتن «تفکری معین» از حیث عرصه یا جهت ویژه، نکوهیده شده‌اند؛ «اولو یتفکروا فی انفسهم...» (باقری، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۲۰۱)؛ بنابراین وقتی سخن از دعوت قرآن کریم به تفکر و اندیشیدن می‌شود، درواقع دعوت به تفکری معین از حیث عرصه و جهت است نه به اصل تفکر؛ «قل إنما

أَعْظَمَكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ».

در واقع توجه قرآن به ارائه موضوع اندیشه، دلالت حائز اهمیتی برای نظام تربیتی در جریان پرورش تفکر دارد و آن اینکه برای پرهیز از مشغول شدن اندیشه یادگیرندگان در هر عرصه و جهتی که نه تنها به پرورش آن کمکی نمی‌کند و چه بسا زمینه‌ساز انحراف آن نیز خواهد بود، باید به تعیین و ارائه موضوع و جهت برای اندیشه بپردازد.

اندیشه در گستره طبیعت: تأمل در آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند متعال عالم طبیعت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تفکر و دستیابی به شناخت، معرفی کرده است و از انسان می‌خواهد تا در آن اندیشه نماید. طبیعت یعنی عالم جسمانی، عالم زمان و مکان، عالم حرکت و همین عالمی که الآن در آن زیست می‌کنیم. همچنین با تأمل بیشتر در آیات قرآن درمی‌یابیم که روش خداوند در دعوت انسان درباره جهان طبیعت این‌گونه است که او ابتدا به معرفی مؤلفه‌های جهان طبیعت و نیز شگفتی‌ها و ویژگی‌های مربوط به هر مؤلفه می‌پردازد و به‌گونه‌ای نقش آن را در حیات آدمی ترسیم می‌نماید، پس از آن با برانگیختن قوه کنجکاو و فطرت حقیقت‌جوی انسان، او را دعوت به تفکر در جهان طبیعت می‌نماید و به این ترتیب برای اندیشه بشر، تعیین و ارائه موضوع می‌کند؛

برخی زمینه‌های مورد توجه قرآن در دعوت به اندیشه در جهان طبیعت عبارت‌اند از:

آفریده‌های زمینی: «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرُوعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَعَظِيرٌ صِنْوَانٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفْضِلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، رعد (۴)؛ «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، نحل، (۶۷).

آفریده‌های آسمانی: (وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)، نحل (۱۲)، (قُلْ أَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْجِبُ الْآيَاتِ وَالنُّذُرِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ)، یونس (۱۰۱).

آفریده‌های مشترک میان آسمان و زمین: برخی از آیات قرآن کریم، پدیده‌های مشترک میان آسمان و زمین را موضوع اندیشه آدمی قرار می‌دهد، نظیر باران رحمت که از آسمان بر زمین نازل می‌شود و موجب حیات، سربلندی و آبادانی زمین می‌گردد، ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، رعد و برق که مایه بیم و امیدند؛ «وَ اٰخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ

ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»،
جائیه، (۵).

اندیشه در آفریده‌های دریایی: «... وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ ... لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، بقره (۱۶۴)

علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: «... کشتی هم مانند همه موجودات طبیعی هم در وجود خودش محتاج به اله است و هم در تدبیر امورش و خدای تعالی در یک جمله بسار کوتاه به این حقیقت اشاره نموده و می‌فرماید: « وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ»، خداوند هم شمارا آفرید و هم اعمال شمارا . صفات (۹۶).

گفتار در اینکه مصنوعات انسان هم مصنوع خداست و این‌هایی که صنایع بشری را مصنوع و مخلوق انسان می‌دانند و می‌گویند هیچ رابطه‌ای میان آن‌ها و اله عالم نیست، به خاطر اینکه تنها اراده و اختیار انسان در آن دخالت دارد تا چه اندازه غافل‌اند» (طباطبایی، ترجمه موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۶۰۱-۶۰۲).

در یک جمع‌بندی از بررسی آیاتی که جهان طبیعت را به‌عنوان موضوع تفکر و اندیشه انسان موردتوجه قرار می‌دهند، چند نکته درخور توجه و تأمل است؛

۱. عظمت، گستردگی و نامحدود بودن جهان طبیعت و شگفتی‌های آن به‌گونه‌ای است که نیروی تفکر و اندیشه انسان را برمی‌انگیزد. آن را جهت می‌دهد و به رشد و تعالی آن کمک می‌نماید. علاوه بر عظمت و گستردگی جهان طبیعت و نعمت‌هایی که خداوند بر انسان عرضه داشته است، رعایت حد اعتدال در عرضه آن‌ها از جانب پروردگار، خود مایه اندیشه ورزی آدمی است.

۲. باید همواره این مهم را خاطر نشان کرد که سیر طبیعت تنها برای شناخت طبیعت محض نیست، بلکه به‌منظور دستیابی به شناخت عظمت پروردگار و نفوذ ایمان در قلب انسان است. مشاهده جهان طبیعت به‌عنوان آیه و نشانه حق، نوعی خداشناسی تجربی فراهم می‌آورد. تلقی جهان طبیعت به‌عنوان آیه و نشانه حق، برای عموم مردم صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که به لحاظ طبقه اجتماعی یا میزان تحصیلات و غیره ممکن است داشته باشند، دلالت‌هایی ایمانی دارد.

۳. اگرچه عظمت، تنوع و نامحدود بودن نشانه‌های قدرت خداوند در تمامی عرصه‌های طبیعت مشهود است، لیکن همه انسان‌ها درباره آن نمی‌اندیشند و متذکر نمی‌شوند،

تنها کسانی که صاحب آگاهی و اندیشه‌اند یادآور آن هستند «... إِنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لَأُولِي الْأَلْبَابِ»، زمر (۲۱).

۴. روش قرآن کریم در دعوت به اندیشیدن در جهان طبیعت متکی بر دو محور اساسی است، یکی بهره‌مندی از استدلال عقلی. کلام وحی در موارد متعددی بر مشاهده و برخورد حسی با پدیده‌های طبیعت و درک حقیقت آن‌ها اصرار ورزیده است، در مواردی نیز بر براهین عقلی و به کار گرفتن آن‌ها در تبیین جهان طبیعت تأکید نموده است. ترکیب این دو محور در دستیابی انسان به شناخت عمیق‌تر از پدیده‌های طبیعت مؤثر خواهد بود.

اندیشه در خود (عالم درون، عالم انفس): جهان برون با همه عظمت‌ها و شگفتی‌های خود تفکر آدمی را برمی‌انگیزد و به نیروی اندیشه موضوع و محتوای خاصی می‌دهد، لیکن در برابر عالم آفاقی جهان دیگری قرار دارد که بانام جهان درون یا عالم انفسی از آن یاد می‌شود و منظور همان انسان است که به مراتب از جهان برون پیچیده‌تر و مرموزتر و شگفت‌انگیزتر است. کتاب وحی از انسان می‌خواهد تا در آفرینش و مراحل تکوین خلقت خود و در ویژگی‌های ظاهری و باطنی خود، در اعمال و رفتار خود و سایر افراد اجتماع اندیشه نماید؛ «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»، بقره، (۲۱۹). (طباطبایی، ترجمه مووی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۳۱).

بر اساس آیات فوق می‌توان گفت تفکر در نفس واسطه شناخت حقیقت تمام هستی است و ابتلا به اعمال سوء که ناشی از جهل و ناآگاهی نسبت به نفس است، به تحریف جهان و تکذیب و استهزای آیات الهی منتهی می‌شود و عمل نیک، معرفت معتبر نسبت به خویشتن و جهان را در پی دارد.

اندیشه در تاریخ و سرنوشت ملت‌ها: «... أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ». انسان‌های خردمند نه از گذشته غافل‌اند، نه در زمان حال غرق‌اند و نه آینده را فراموش کرده‌اند. خردمند از تجارب گذشته عبرت می‌گیرد، از شرایط موجود تغذیه می‌شود و در آینده جهت حرکت را می‌جوید.

اندیشه در شریعت: خرد و اندیشه انسان زمانی قابلیت دارد رستگاری را بجوید که رستگاری را خوب بفهمید و درک نماید. فهم رستگاری هم از فهم درست شریعت و نسبت آن با انسان و جامعه به دست می‌آید. اصولاً اسلامی که با تفکر همراه باشد، ریشه‌دار

و ماندنی است و در غیر این صورت از قلب و رفتار زایل خواهد شد؛ «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»، نحل، (۴۴)، «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»، ص، (۲۹).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۹ سوره ص می‌نویسد:

... و معنای آیه این است که این قرآن کتابی است که ما آن را به‌سوی تو نازل کردیم، کتابی است که خیرات و برکات بسیار برای عوام و خواص مردم دارد تا مردم در آن تدبیر نموده و به همین وسیله هدایت شوند و یا آنکه حجت بر آنان تمام شود و نیز برای اینکه صاحبان خرد از راه استحضار حجت‌های آن و تلقی بیاناتش متذکر گشته و به سوی حق هدایت شوند (طباطبایی، ترجمه موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۰۰).

اندیشه در ماهیت زندگی دنیا و آخرت: یکی دیگر از موضوعات مورد توجه خداوند در دعوت انسان به تفکر، اندیشیدن در ماهیت زندگی دنیا و آخرت است. بعضی انسان‌ها شیفته دنیا هستند و خیال می‌کنند برای همیشه در آن خواهند ماند، بنابراین نسبت خود را با دنیا چون نسبت بنده با ارباب تنظیم می‌کنند و هر آنچه غرایز و امیال آن‌ها طلب کند در اختیارش می‌گذارند، این گروه گرفتار لهو و لعب دنیا هستند. گروه دوم کسانی هستند که در پی کسب کمال و عرفان از دنیا گسسته‌اند، غافل از اینکه دین بدون ارتباط درست با دنیا کامل نخواهد شد، اگر قرار بود خلیفه خدا در دنیا در غیر دنیا تربیت شود، چرا در دنیا گماشته شد؟

بنابراین معلوم می‌شود که هیچ‌یک از این دو گروه درباره دنیا درست اندیشه نکرده‌اند. اندیشیدن دقیق در ماهیت زندگی دنیا و آخرت، حقیقت آن را برای عقل آشکار می‌سازد و در رشد اندیشه آدمی مؤثر خواهد افتاد؛ «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، انعام (۳۲).

۲.۲.۱ مراتب اندیشیدن از منظر قرآن (بعد دوم جریان پرورش تفکر از منظر قرآن)

با تأمل در آیات قرآن کریم، می‌توان گفت تعقل تمام مراتب ادراک را دربرمی‌گیرد و قلب، سمع و بصر نظام‌های دریافتی ما هستند که تعقل در آن‌ها جریان دارد. تعقل شامل شنیدن و دیدن است یا دیدن و شنیدن درگرو عقل است، از این رو چه بسیارند گوش داران ناشنوا و چشم داران نابینا؛ «صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَّا يَعْقِلُونَ»، بقره (۱۷۱).

تعقل شامل مشاهدات قلبی است و قلب هم محل شنیدن و هم واسطه تعقل می‌باشد؛ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»، حج (۴۶). تعقل شامل مشاهدات تجربی است: مشاهدات تجربی طبیعی؛ «وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، بقره (۱۴۶).

تعقل زیربنای ایمان است و نقش تعیین کننده در ایمان و کفر دارد؛ «وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَّبِعُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»، مائده (۱۰۳).

در واقع عمل مرتبه شدید باور است و باور یا ایمان مرتبه عالی و شدید علم است؛ به عبارت دیگر علم، ایمان و عمل مراحل یا مراتب تعقل اند که بدون هیچ تعارضی تفاوت رتبه‌ای دارند. مشاهده جهان به عنوان آیه و نشانه حق که به مدد نگرش آیه‌ای به جهان حاصل می‌شود، علم یقینی یا ایمان پدید می‌آورد، قرآن دانستنی‌هایی را که به ایمان تبدیل نشده است، علم تلقی نمی‌کند (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۶۱).

۳.۲.۱ ملزومات اندیشه ورزی و تفکر از منظر قرآن

به نظر می‌رسد یکی دیگر از ابعاد پرورش اندیشه و تفکر در نظام تربیتی اسلام، تجهیز انسان به برخی ویژگی‌ها برای بهره‌مندی از نیروی اندیشه است. تأمل در آیات ناظر بر اندیشه ورزی به عنوان ملزومات اندیشه ورزی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴.۲.۱ آسیب‌شناسی تفکر (آفت‌های تفکر، واندیشه از منظر قرآن)

تأمل در آیات کتاب وحی یکی دیگر از ابعاد مورد توجه خداوند در شکوفایی خرد و اندیشه آدمی را آشکار می‌سازد. همچون بسیاری از پدیده‌ها اندیشه نیز در معرض آسیب‌ها و آفت‌هایی واقع می‌شود، به گونه‌ای که بر فرآیند و فرآورده اندیشه انسان تأثیر می‌گذارد و مانع حصول نتیجه مطلوب می‌گردد و یا آن را از تداوم، استمرار و تمرکز بازمی‌دارد.

۵.۲.۱ افت‌های تفکر از منظر قرآن کریم

۱.۵.۲.۱ پیروی از هوای نفس

با تأمل در آیات قرآن به نظر می‌رسد اصلی‌ترین و مهم‌ترین افت اندیشه، پیروی از هوای نفس است. اگر هوای نفس بر عقل غلبه یابد و آن را اسیر خود کند، وسیله‌ای قوی برای انحراف انسان از مسیر حق و زمینه‌ساز احاطه زشتی‌ها و پلیدی‌ها بر سراسر وجود آدمی خواهد بود؛ «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»، یونس (۱۰۰)، به گونه‌ای که انسان قادر نیست واقعیت‌ها را ببیند و حقایق را تصدیق نماید؛ زمینه‌هایی که نفس انسان دچار لغزش می‌گردد عبارت‌اند از:

۶.۲.۱ تکیه بر ظن و گمان و نداشتن علم و آگاهی

از بزرگترین آثار منفی پیروی از ظن و گمان و اندیشه فارغ از علم و آگاهی، انکار و کتمان حقیقت است؛

۷.۲.۱ حبّ و بغض

برای شکوفایی اندیشه باید حساب اندیشه را از اندیشنده جدا کرد تا علاقه و دل‌بستگی موجب قبول اندیشه باطل و کینه و نفرت موجب طرد اندیشه حق نشود؛ «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال». چرا که در حالت اول انسان ضعف‌ها را نمی‌بیند و در حالت دوم قوت‌ها را.

۸.۲.۱ عجب

عجب به معنای بزرگ جلوه دادن توانایی‌های خویش که ملازم باکم بینی فضایل دیگران است، از طغیان‌های نفس آدمی است و آفت اندیشه محسوب می‌گردد و از آن رو آفت اندیشه تلقی می‌شود که ارزیابی آدمی نسبت به خود و دیگران را از واقع منحرف می‌سازد.

۹.۲.۱ خشم و غضب

خشم و غضب غیرموجه و بی‌مورد از آن جهت که حد شکن است با عقل که حد آفرین است، سر نزاع دارد، از این رو فرو خوردن چنین خشمی لازمه حرکت در متن حدود است؛ «الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس». نیروی غضیب اگرچه نیرویی حیاتی و ضروری

برای بقای نفس است، لیکن در صورتی قادر به ایفای نقش خود خواهد بود که از حد مجاز خود فراتر نرود، در غیر این صورت زمانی که از اعتدال خارج شود و تجلی آن به صورت خشم ظاهر گردد، آسیب‌زا و مخرب اندیشه خواهد بود.

۱۰.۲.۱ عناد و انکار

عناد و انکاری که در پی عجب و غضب و با آمیزه‌ای از این دو فراهم می‌آید، اندیشه انسان را بی‌حاصل می‌سازد، لذا باینکه فرد حق را می‌داند به آن اعتنا نمی‌کند چنانکه گویی آن را نمی‌دانسته است «... و لقد مکّنه‌م فیما إن مکّنه‌م فیه و جعلنا لهم سمعا و أبصرا و أفئده فما أغنی عنهم سمعهم و لأبصرهم و لأفئدهم من شیء أذ کانوا یجحدون بآیات الله و حاق بهم ما کانوا به یتهنّون».

۲. روش‌های پرورش اندیشه از منظر قرآن

توسعه ظرفیت علمی انسان و دستیابی به شناخت، به واسطه تفکر در عالم و از مسیر روش‌های پرورش اندیشه صورت می‌پذیرد. روش‌های پرورش اندیشه صورت می‌پذیرد. روش‌های پرورش اندیشه صورت می‌پذیرد. روش‌های پرورش اندیشه مجموعه تدابیر و طرقی هستند که به‌طور منظم و سازمان‌یافته موجبات رشد و پرورش اندیشه را در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب فراهم می‌آورند (بهشتی، ۱۳۸۰: ۵۰۸).

الف. روش علم‌آموزی (حکمت‌آموزی):

اندیشه موهبتی است که آرام آرام از راه فراگیری علوم شکوفا می‌شود و به فعلیت می‌رسد. اندیشه فطری انسان با علم می‌بالد و هم در حیطه نظر و هم در حیطه عمل به‌واقع و حق نائل می‌شود. از این‌رو قرار دادن انسان در مسیری که در آن به علمی راست بین (حکمت) دست یابد. به‌منزله شیوه‌ای برای شکوفایی و رشد اندیشه اوست.

ب. روش تزکیه نفس

کنش‌ها و کشمکش‌های نفسانی، توازن اندیشه را از آن سلب می‌کنند و عقل را هم در حیطه نظر و هم در حیطه عمل و کردار به خطا می‌رانند. چنانکه حبّ و بغض چشم عقل را چنان کور می‌کند که اندیشه حق را سست و اندیشه باطل را استوار و متین می‌یابد. در عرصه عمل نیز تن دادن به هوس‌ها و پیروی از هوی‌ها کار عقل و فکر را به‌جایی

می‌رساند که عمل شنیع را نیک می‌بیند و عمل نیک را شنیع؛ «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا».

در واقع تزکیه راهکاری که صرفاً مربوط به حوزه ارزش شناختی باشد نیست، بلکه راهبرد توسعه ظرفیت علمی است و توجه به برخی اعمال و عبادات در قلمرو تزکیه به جهت تأثیری است که آنها در تحول و هدایت انسان دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۵۹).

سوال دوم: اندیشه ورزی در آئینه نهج البلاغه چگونه است؟

از مسائل مهمی که علی (ع) بدان‌ها نهایت عنایت دارد تفکر و اندیشه ورزی در موضوعاتی است که باید در آنها تفکر و اندیشه کرد. طبیعت، جلوه‌ها و مظاهر آن، زراعت و حیوانات مختلف مانند طاووس، مورچه، خفاش، ... و تحلیل اوضاع و شرایط اجتماعی و زندگی این جانداران نمونه‌هایی هستند که امام درباره آن‌ها دستور تفکر داده است.

ابتدا امیرالمؤمنین (ع) به هدفمندی زندگی و انسان می‌پردازد و میزان شناخت هدف‌داری را اندیشه می‌داند. «فما خلق امره عبثاً فیهو و لا ترک سدی فیلغوا» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲)؛ هیچ‌کس بیهوده آفریده نشده است تا به کارهای لغو و بی‌ارزش پردازد.

در عبارتی دیگر انسان‌هایی را که در زندان تاریک مادیات گرفتار آمده‌اند به‌سوی افق‌های بلند اندیشه و تفکر فرامی‌خواند. «فما خلقت لیثغلی اکل الطیبات کالبهیمه المربوطه همّا علفها و المرسله شغلها تقمها تکثرش من اعلافاها و تلهو عمّا یراد بها» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

امام علی (ع) به این راز بزرگ هستی چنین اشاره می‌کند:

فانظر الی الشمس و القمر و النبات و الشجر، و الماء و الحجر و اختلاف هذا اللیل و النهار ... و تفرق هذه اللغات و الالسن المختلفات فالویل لمن انکر المقدرّ و جحد المدبر! زعموا أنّهم کالنبات ما لهم زارع ... و هل یكون بناءً من غیر بانٍ او جنایه من غیر جان؟ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵).

به خورشید و ماه، رویدنی‌ها و درخت، آب و سنگ، رفت‌وآمد، شب و روز، و گونه‌گونگی لغات و گویش‌ها، بیندیش! پس وای بر آن‌کس که آفریدگار را منکر شود و مدیر و مدبر عالم هستی را نپذیرد! این، چه گمان باطلی است که جهان را چنان گیاه خودرویی پنداشته‌اند که دست باغبان هستی بدان نرسیده است؟! چگونه قابل‌تصور است که بدون

سازنده، ساختمانی پدید آید و یا جنایت و حادثه‌ای بدون انتساب به جنایتگر یا حادثه‌آفرین، شکل گیرد؟

۳. اندیشه و تفکر در مخلوقات ظریف

شاید درباره مورچه، کمتر کسی به فکر فرورود و از اندیشه در راه تعیین سرنوشت خود، از آن الهام گیرد. امام (ع) امر به چنین اندیشه‌ای دارد؛ اگر درباره این حیوان کوچک عجیب، بیندیشی به شگفت می‌آیی و سرانجام به آنجا می‌رسی که آفریدگار مورچه کوچک، همان آفریدگار نخل تناور است.

انظروا الی التملہ فی صغر جثتها و لطفہ ہیئتہا، لا تکاد تُنال بلحظ البصر، و لا بمستدرک الفکر ... و لو فکرت فی مجاری اکلہا فی علوہا و سفلہا ... و لو ضربت فی مذاہب فکرک لتبلغ غایاتہ ما دلتک الدلالہ الّا علی انّ فاطر التملہ هو فاطر النخلہ (نہج البلاغہ، ۱۸۵ / ترجمه دشتی).

در این خطبه سراسر دانش، امام (ع) بارها روی کلمه «انظر» و «فکر» تکیه کرده است؛ یعنی اندیشه، از مهمترین مسائل سرنوشت‌ساز زندگی است به طوری که در پرتو آن، همه پدیده‌ها حجت و دلیل روشنگر انسان می‌گردد.

اگر اندیشه‌ات را به کارگیری تا به راز آفرینش پی ببری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرما است، به جهت دقتی که جدا جدا در آفرینش هر چیزی به کاررفته و اختلافات و تفاوت‌های پیچیده‌ای که در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است، همه موجودات سنگین و سبک بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسان‌اند و خلقت آسمان، هوا، بادهای و آب، یکی است.

۴. راه‌های اندیشه ورزی از منظر نهج البلاغه امام علی (ع)

۱.۴ بهره‌مندی از تجربیات خود و دیگران

کسب تجربه در استخدام و سازندگی زندگی مادی و دنیوی سودمند است، عاقل از این فرصت در زندگی‌اش بهره می‌برد و از تجربیات خود و دیگران استفاده می‌کند. «العقل حفظ

التجارب و خیر ما جریت ما وعظک». (نهج البلاغه، نامه ۳۱) «إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَنَهُ التَّجَارِبُ» (تمیمی آمدی، بی تا: ۶۳: نهج البلاغه، نامه ۳۱).

بدبخت کسی است که از چنین موهبتی بهره‌مند نشود و از عقل و تجربه مفید دیگران استفاده نکند. «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَّمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَ التَّجْرِبَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۷۸). استفاده از تجربه دیگران به منزله مشارکت در اندیشه و فکر صحیح آن‌ها است؛ انسان عاقل چنین فرصتی را در زندگی از دست نمی‌دهد؛ زیرا عمر انسان به اندازه‌ای طولانی نیست که آزمون‌های خطا و صحت را انجام دهد و اشتباه‌های دیگران را تکرار کند تا بتواند خودش به بهترین نتیجه برسد: «إِي بُنِي، إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسَبَرْتُ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى عَدْتُ كَأَحَدِهِمْ؛ بَلْ كَأَنِّي بَمَا أَتَهَيَّ إِلَى مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلَاهُمْ أَلَى آخِرِهِمْ، فَهَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ، وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

بر اساس این فرمایش حضرت علی (ع) تجربه‌اندوزی از سرگذشت دیگران، بهره‌مندی از حاصل عمر آن‌ها است. گویا انسان عمری به درازی عمر همه آن‌ها داشته است، با این تفاوت که خطاهای آنان را مرتکب نشده است؛ بنابراین یکی از توفیقات در زندگی، بهره‌مندی از تجربه عقلا است که در نهایت به درست اندیشیدن کمک می‌کند.

۲.۴ عبرت‌پذیری

در قرآن کریم عبرت‌پذیری از ویژگی‌های خردمندان بیان شده است (آل عمران / ۱۳؛ یوسف / ۱۱۱؛ نور / ۴۴؛ نازعات / ۲۶). روش عبرت‌آموزی یکی از روش‌های بیدار ساز و خردپرور تربیتی است که به دلیل اهمیت خاصی که در حوزه تربیت عقلانی دارد، باید ابعاد و جوانب گوناگون آن مورد کندوکاو قرار گرفته است: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ فَابْصَرَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳). تفکر زمینه‌ساز عبرت را مقدمه بصیرت دانسته و ارتباط بصیرت با فهم و در نهایت علم را بیان می‌نمایند: «مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَ مَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ، وَ مَنْ فَهَمَّ عَلِمَ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸). کسی که عبرت گیرد بینا می‌شود و آن‌کس که بینا گردد (حقایق را) می‌فهمد و آن‌کس که (حقایق را) بفهمد دانا می‌شود.

اندیشمند، کسی است که از شکست‌ها، مصائب و گرفتاری‌های دیگران عبرت می‌گیرد و اندیشه‌اش را در علل آن وقایع، آخر و عاقبت آن‌ها به کار می‌گیرد. امام علی (ع) در نامه

به فرزند بزرگوارشان سبب ذکر حالات و احوال گذشتگان را پند گیری و عبرت‌آموزی بیان می‌نماید (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

امام (ع) در عبارت زیر موعظه‌های مفید، آیات روشن الهی، انذارهای گویا و تذکرات را به عنوان مصادیق عبرت گرفتن بیان می‌فرماید: «فَاتَّعَظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبَرِ النَّوَافِعِ، وَاعْتَبِرُوا بِالْآيِ السَّوَاطِعِ، وَأَزْدَجِرُوا بِأَنْدَرِ الْبِوَالِغِ، وَاتْتَفَعُوا بِالذِّكْرِ وَالْمَوَاعِظِ» (همان، خطبه ۸۵).
 بندگان خدا از موعظه‌های سودمند پندپذیرید، و از علامت‌های درخشنده و آشکار (آیات قرآن که خیر و شرّ و پیش آمدهایی که بر اثر معصیت و نافرمانی بر امم سابقه وارد شده بیان کرده) عبرت گیرید». درنهایت هدف از تأکید به عبرت گیری، رسیدن به فهم، علم و بصیرت است تا انسان عاقل در زندگی از آن بهره گیرد.

۳.۴ دوراندیشی

یکی از مصداق‌های تفکر صحیح که در انتخاب سبک زندگی تأثیرگذار است، درک درست از هدف زندگی است؛ «اصل هدف را علوم و فلسفه ثابت می‌کند اما ماهیت این هدف و مختصات عام آن با بصیرت دل دریافت می‌شود»؛ (جعفری، ۱۳۷۶: ۷۴۳۰) خردمند با ژرف‌بینی هدف‌های فلسفه زندگی را درک می‌کند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کند: و ناظر قلب اللیب به یُصِرُّ أَمْدُهُ وَ يَعْرِفُ غُورَهُ وَ نَجْدَهُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴).
 با تعقل و تفکر انسان واقعیات را درک می‌کند و از هر نوع جهلی (ساده و مرکب) بری است و برای او آخر و عاقبت همه‌چیز روشن است: قَدْ أَضَاءَ الصَّبْحَ لَذِي عَيْنَيْنِ. (همان، حکمت ۱۶۹).

۴.۴ مشورت با عقلا و خبرگان

انسان عاقل در تصمیم‌های مهم زندگی‌اش با عاقلان و صاحبان تجربه مشورت می‌نماید و خود را از اشتباه‌ها حفظ می‌کند: مِنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا. (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳).

کسی که از نظریات و آراء دیگران استفاده کند، موارد خطا و اشتباه را درک می‌کند. قرآن کریم تبعیت از بهترین قول‌ها را از ویژگی‌های خردمندان بیان می‌کند: فَبَشِّرْ عِبَادَ* الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَبَابِ.

(زمر/۱۸). پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آن‌ها خردمنداند.

در جای دیگر امام (ع) مشورت را به عنوان بهترین پشتیبان و حامی برای تصمیم گیری های انسان بیان می نماید: لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ. (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳). لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ (همان، حکمت ۵۴). مشورت کردن بهترین پشتیبان و حامی برای انسان است. مشورت با خردمندان سبب می شود که شخص اعتماد به نفس پیدا کند و از لحاظ روحی تقویت شود و به راهکار مناسب دست یابد. عاقبت خودرایی و استبداد هلاکت و سردرگمی در زندگی و نتیجه مشورت کردن با عاقلان، مشارکت با آنان در عقلشان است: «و من استبدَّ برأيه هلك، و من شاور الرجال شاركها في عقولها» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱). هر کس که خود رأیی را انتخاب کرد، هلاک گشت و هر کس که با مردم مشورت کرد، با عقول آنان شریک شد.

در نتیجه مشورت گرفتن عین راهنمایی و هدایت به راه صحیح است و خود رأیی خود را در معرض خطر و گرفتاری قرار گرفتن است: الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ، وَقَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ (همان، حکمت ۲۱۱). هر کس که با تکیه به رأی خود بی نیاز گشت، خود را به مخاطره انداخت.

البته باید توجه داشت که بعضی افراد شایستگی مشورت کردن را ندارند و چه بسا مشورت با آنان، نتیجه عکس بدهد؛ از مشورت با افرادی که از لحاظ اعتقادی و روانی دچار مشکل هستند باید اجتناب کرد؛ مشورت با ترسو باعث ترس و اختیار زیاد در کارها می شود و مشورت با حریصان سبب حرص و طمع در زندگی می گردد: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ، وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يَضَعُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ» (همان، نامه ۵۳).

عقل و تدبیر یکی از مسائلی است که وفور در سخنان امام علی (ع) یافت می شود که د کلام ایشان عقل و فکر به عنوان سودمندترین اموال (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳)، بی نیازترین بی نیازی ها (همان، حکمت ۳۸ و ۵۴)، وسیله نجات (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۷)، آینه ای روشن (نهج البلاغه، حکمت ۵) بهترین علوم (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳) و عبادت پروردگار (نهج البلاغه، خطبه ۲۲) بیان شده است. قلوب و وجدان های پاک، گوش های شنوا، افکار جدی و عقول حسابگر مثال های رسا و پندهای شفا پذیر را می پذیرند و به وسیله آن‌ها

انحراف‌ها و بیماری‌های درونی آن‌ها رفع می‌شود (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۴). انسان بصیر و دانا به همه چیز با دیده عبرت نگاه می‌کند و با فکر و اندیشه از آن سود می‌برد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۳، ۱۰۳ و ۱۰۵).

۵. کاربردهای اندیشه در نهج‌البلاغه امام علی (ع)

۱. عقل، عقول و عاقل: بیشترین کاربرد خرد و خردورزی در نهج‌البلاغه به صورت «عقل» و «تعقل» است.
۲. فکر: واژه «فکر»، «تفکر»، «فکره» و «مفکر» نیز کاربرد زیادی دارد؛ مانند حکمت‌های ۴۸، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۷۹ و نامه ۶۹.
۴. لب، لیب، الباب: «لب» به معنای خرد و «لیب» به معنای خردمند و همچنین «الالباب» به صورت جمع به کار رفته است، مانند خطبه‌های ۸۸، ۱۵۴، نامه ۳۱.
۵. حکمه و حکیم: گاهی به معنای چیزی است که از جهل منع می‌کند (شرقی، ۱۳۶۶: ۴۳۷/۱).
۶. فقه: مانند خطبه ۱۱۰.
۷. بصیره، بصیر، بصائر و ابصار: نیز به معنای فکر و اندیشه به کار برده می‌شود؛ مانند خطبه‌های: ۴۹، ۶۴، ۸۴: حکمت: ۲۸۱.

۶. شرایط درست اندیشیدن در نهج‌البلاغه

تفکر صحیح باید مستدل، منصفانه، فعال، به‌دوراز سفسطه، تعصب، لجاجت و دور از بت‌های ذهنی همانند غرور، عجب و ترس باشد. تفکر صحیح سبب جرأت دروین، اعتماد به نفس، وحدت شخصیت، طرفداری از ارزش‌های انسانی، داشتن قدرت تجزیه و تحلیل، سعه‌صدر، عاقبت‌اندیشی و عاقبت‌نگری، ثبات عقیده و خود نقدپذیری می‌گردد (قاضی مرادی، ۱۳۹۳: ۱۶۱ تا ۲۱۶).

از شرایط اندیشه صحیح و سالم همراه بودن تعقل با تقوا، پرهیز از گناه و عدم پیروی از هوای نفس است. «قرآن به مردم اجازه نمی‌دهد که بدون رعایت دائمی تقوا و ترس از خدای سبحان به تفکر بپردازند و این کار را خطرناک و بی‌فایده می‌داند». (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۴۱/۵). از جمله ویژگی‌های خردمندان، رعایت تقوا است. در عبارت‌هایی در نهج‌البلاغه

تفکر و تقوا با هم ذکر شده است، مانند: فَاتُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ. (خطبه ۸۳). ای بندگان خدا تقوای الهی پیشه کنید! همچون تقوای خردمندی که تفکر، قلب او را به خود مشغول ساخته است.

از موانع اندیشیدن صحیح تبعیت از هوای نفس است، پیروز کسی است که بتواند به وسیله عقل، هوای نفس را نابود کند: «قاتل هواک بعقلک» مولای متقین فرمان می دهند که با شمشیر عقل با خطرات هوای نفس مبارزه کن. (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴)

ایها الناسُ إِنَّ أَخُوفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اثنتان] اثنان اتباع الهوی و طول الامل فأما اتباع الهوی فیصد عن الحق و أما طول الأمل فینسی الأخره. (نهج البلاغه، خطبه ۴۲). ای مردم شدیدترین خوف و هراسی که درباره شما دارم برای دو چیز است: پیروی از هوا و درازی آرزو است، اما پیروی از هوا آدمی را از برخورداری از حق جلوگیری می کند و درازی آرزو آخرت را به فراموشی می سپارد.

در جای دیگر آرزو را سبب به اشتباه افتادن عقل بیان می نمایند: و اعلموا أن الأمل یسهی العقل و ینسی الذکر. (همان، خطبه ۸۶)

و بدانید که آرزو موجب به غلط و اشتباه انداختن عقل و فراموشی از ذکر خدا می گردد. از موانع دیگر درست اندیشیدن، تعصب است. تعصب به معنای «طرفداری یا دشمنی به دور از منطق و بیش از حد نسبت به شخص، گروه، یا امری است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۹۶۳/۴) علت بسیاری از عادات زشت، پیروی از سنت های غلط، نپذیرفتن حق و اصرار بر اشتباهات و خطاهای خود تعصب است.

اللجاجه تسلّس الرأی. (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۹)

ستیزه جویی و پافشاری تعصب آمیز و بدون دلیل اندیشه صحیح را از میان می برد.

در جای دیگر فقر را یکی از عوامل کم کننده عقل دانسته و خطاب به فرزندش محمد بن حنفیه می فرماید: یا بنیَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفِرَّ، فاستعد بالله منه، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلدِّينِ مدهشه للعقل داعیه للمقت. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹؛ ترجمه فیض الاسلام).

زیرا فقر سبب می شود انسان یا در اعتقادات دچار تزلزل شود یا دست به کارهای ناشایست بزن و یا در دین دچار نقص گردد، که همه این موارد نشانه عدم مدیریت عقل در تمام مراحل زندگی است.

رذایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند همچون عجب و طمع نیز از آفات درست اندیشیدن است. از جمله این نوع رفتار، عجب و خودبزرگ‌بینی است که ضد درستی و آفت عقل است.

و اعلم أنّ الإعجاب ضد الصّواب و آفة الالباب. (نهج البلاغه، نامه ۳۱). خودپسندی ضد واقع‌بینی است و آفتی است برای عقل‌ها.

اینکه امام علی (ع) دو گناه قلبی و درونی همچون عجب و طمع را از موانع اندیشیدن صحیح بیان می‌نمایند، جای تأمل است؛ چه بسا تعقل و تفکر که امری درونی و قلبی هستند بزرگ‌ترین موانع آن نیز گناهان باطنی باشد.

دوستی با افراد کم‌خرد و سست‌رأی نیز از آفات خردورزی است، یکی از عوامل مهم ارتکاب جرم، دوستی با افراد ناباب است که بیشترین اثر آن تعطیلی عقل و خرد است: و احذر صحابه من یفیل رأیه و یندکر عمله فإنّ الصّاحب معتبره بصاحبه (نهج البلاغه، نامه ۶۹). و بپرهیز از معاشرت و یار شدن با کسی که دارای رأی ناپسند است؛ زیرا شخص با یارش هم‌خو می‌شود (پس او را به یارش مانند می‌نمایند). امام صادق (ع) نیز می‌فرمایند: لا تصحبوا أهل البدع و لا تجالسوهم فتصيروا عند الناس کواحد منهم. (کلینی، ۱۳۶۹: ۳۷۵/۲). با بدعتگذاران دوستی و هم‌نشینی نداشته باشید که در نظر مردم همچون یکی از آنان خواهید شد.

بنابراین اندیشه صحیح دارای شرایطی چون همراهی خردورزی با تقوا، مطابقت با فطرت و عدم تبعیت از هوای نفس، تعصب، تقلید کورکورانه، فقر و گناهای همچون عجب و طمع است.

۷. شیوه‌های آموزش اندیشه ورزی در نهج البلاغه امام علی (ع)

با نگاهی تحلیلی به نهج البلاغه متوجه می‌شویم که در غالب بخش‌های آن، از شیوه‌هایی استفاده شده است که هدف آن برانگیختن تفکر و اندیشه ورزی در مخاطب است. شیوه‌های یافت شده در نهج البلاغه به شرح زیر است:

۱- ارائه الگو (آموزش عملی): یکی از شیوه‌هایی که حضرت در بخش‌هایی از نهج البلاغه به آن می‌پردازد، ارائه الگو و یا آموزش عملی است. برای نمونه در خطبه ۳۴، امام مردم را به جهاد ترغیب می‌کند و با بیان عمل جهادی خود، کاری را که از آن‌ها

می خواهد، می آموزاند: «... ارائه الگو یکی از روش های مفهوم سازی است. سیف می گوید مفهوم، هسته اصلی تفکر آدمی، را تشکیل می دهد؛ مفهوم آموزی یا مفهوم سازی نوعی توانایی طبقه بندی کردن است (سیف، ۱۳۸۸: ۳۵۰).

۲- مصور کردن: با مطالعه نهج البلاغه متوجه می شویم که مولی علی (ع) بسیاری از مباحث فکری و عقیدتی را با هنرمندی شگرفی در قالب تصویر به نمایش می گذارد. به عنوان مثال حضرت از شگفتی های آفرینش طاووس سخن می گوید: «... و شگفت انگیزتر آن پرندگان در آفرینش، طاووس است که [خداوند] آن را در استوارترین هیأت پرداخت و رنگ های آن را به نیکوترین ترتیب مرتب ساخت». مصورسازی اطلاعات عبارت است از فعالیت هایی که برای ارائه بهتر شیوه های نمایش اطلاعات به کاررفته می شود (درودی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

۳- طرح سؤال: در نامه ۲۷، حضرت با اشاره به نزدیک بودن مرگ و نیاز به فراهم کردن نوشته برای آخرت چنین سؤال می فرماید: «پس بهشت به چه کسی نزدیک تر از آن که برای بهشت در کار است و به دوزخ چه کسی نزدیک تر از آن که کار دوزخ را عهده دار است؟».

با طرح سؤال در ذهن مخاطب، مسئله ایجاد می شود. وقتی فرد با مسئله ای روبرو می شود، یک حالت عدم تعادل شناختی در او اتفاق می افتد و تا زمان حل شدن مسئله ادامه می یابد. عدم تعادل شناختی ویژگی های انگیزشی دارد که فرد را وامی دارد بکوشد تا تعادل نظام ذهنی اش را باز یابد و تعادل شناختی رضایت خاطر به دنبال دارد (سیف، ۱۳۸۸: ۶۹).

۴- ایجاد موقعیت تصمیم گیری: در خطبه ۹۱، در هنگام بیعت مردم با امام علیه السلام، ایشان بایان عواقب بیعت کردن و بیعت نکردن، آن هارا در انتخاب مخیر می کنند. تصمیم گیری شکلی از حل مسئله است. فرد مسئله را روشن می کند، اطلاعات تازه یا امکانات موجود مربوط به مسئله را در نظر می گیرد، یک یا چند راه حل برای اقدام مطرح می سازد و در پایان کار، راه حلی را که با اطلاعات موجود یا امکانات موجود سازگار باشد، انتخاب می کند (شریعتمداری، ۱۳۷۵، ص ۲۰). تمام این مراحل در فرآیند تفکر وجود دارد. تصمیم گیری یکی از نتایج تفکر انتقادی است (حیدری دانایی، ۱۳۸۸: ۱۹).

۵- درخواست پژوهش: در خطبه ۱۴۹، حضرت برای یافتن راه رستگاری، منابعی را به مخاطب معرفی می کنند تا از طریق آن به تحقیق پردازد. شریعتمداری فرآیند پژوهش را همان فرآیند تفکر می داند؛ زیرا در فرآیند پژوهش مانند فرآیند تفکر، فرد به موقعیتی

نامعلوم، ابهام‌آمیز و مشکل برمی‌خورد و ضمن تحلیل این موقعیت، به طرح مسئله یا مسائلی می‌پردازد و با جمع‌آوری اطلاعات لازم از منابع مختلف، به تدوین فرضیه یا فرضیه‌هایی اقدام می‌کند و در برخی از مراحل پژوهش، زمینه ابتکار، نوآوری یا خلاقیت فراهم می‌شود و سرانجام با بررسی فرضیه‌ها و انتخاب فرضیه‌ای که بتواند موقعیت نامعلوم را به‌صورت معلوم و روشن درآورد، پژوهش به مرحله موقتاً پایانی می‌رسد (شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۹).

۶- استفاده از عبارات‌های رمزگونه: در خطبه ۱۴۱، حضرت در نهی از شنیدن غیبت، ضمن بیان مضرات آن، جمله معماگونه‌ای را مطرح می‌فرمایند که سبب سؤال مخاطب می‌شود: «... بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. پرسیدند، معنای آن چیست امام علیه‌السلام انگشتان خود را میان چشم و گوش گذاشت و فرمود باطل آن است که بگویی «شنیدم» و حق آن است که بگویی «دیدم».

سلیمانی ابهری می‌نویسد: آنچه در نظام‌های تعلیم و تربیتی کار او مؤثر جهان معاصر، برجستگی خاصی دارد و آن را از نظام‌های تعلیم و تربیت غیرفعال ممتاز می‌کند، این است که شرایطی فراهم شود که یادگیری به‌صورت کشف پاسخ‌های تازه از طریق موقعیت‌های مبهم به تغییر ساخت‌های شناختی فرد منجر شود (سلیمانی ابهری، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

۷- نقد کردن: بخش‌هایی در نهج‌البلاغه وجود دارد که امام علی (ع) در آن‌ها به ارزیابی و نقد می‌پردازند. برای نمونه در خطبه ۹۶، حضرت امیر، لشکریان خویش را که در جنگ با معاویه سهل‌انگاری کرده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین در نامه ۳۷ معاویه را نقد می‌کند. معلمان با تفکر انتقادی، زمینه این نوع تفکر را فراهم می‌کنند و به نسل جدید انتقال می‌دهند (مظلوم خراسانی و اکبری فریمانی، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

۸- استفاده از محتوای غنی: در خطبه ۶۴، حضرت عمیق‌ترین مطالب را در باب سپاس‌خداشناسی مطرح می‌کند که از جمله مباحث عقیدتی و بسیار کاربردی در علم کلام است بنابراین، محتوا و فرایند تفکر را نمی‌توان منفک از یکدیگر در نظر گرفت؛ بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که برای دستیابی به تفکر منطقی، نقاد و خلاق، محتوای تفکر نیز باید غنی باشد (شمشیری، ۱۳۸۶: ۳۸).

۹- طبقه‌بندی: حضرت علی (ع) در برخی آموزش‌های خود، مطالب را طبقه‌بندی یا دسته‌بندی می‌کند. مثلاً در خطبه ۲۰۱، راویان حدیث را در چهار دسته معرفی می‌فرماید: «... حدیث را چهار کس نزد تو آرند که پنجمی ندارند طبقه‌بندی یا سازمان‌دهی نوعی

راهبرد گسترش معنایی است که در آن یادگیرنده برای معنی دار ساختن یادگیری، به مطالبی که قصد یادگیری آن‌ها را دارد، نوعی چارچوب یا ساختار سازمانی تحمیل می‌کند (سیف، ۱۳۸۸: ۲۹۲).

۱۰- **تذکر به تفکر:** در نامه ۳۱، حضرت وصیت‌هایی به فرزند خویش دارد که در ابتدای آن، از وی می‌خواهد اندیشه کند: «پسرم در وصیت من درست بیندیش...». تذکر به تفکر، درواقع نوعی تلنگر و یادآوری تفکر است. گاهی مخاطب هنگام آموزش، از روی عادت فقط به شنیدن مطالب می‌پردازد و فراموش می‌کند درباره آن فکر کند؛ شاید هم لزومی برای تفکر نمی‌بیند؛ اما زمانی که به او درباره تفکر هشدار می‌دهند، توجه وی به آن سمت جلب می‌شود (قاسم پور دهاقانی و بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

۱۱- **تأکید بر مطالب مهم:** در خطبه ۱۶، حضرت برای بیان این مطلب که عبرت گرفتن از گذشته مانع افتادن در شبهات می‌شود، ابتدا از عبارتی استفاده می‌کند که نشان‌دهنده تأکید حضرت است. تأکید بر مطالب مهم، سبب جلب توجه و تمرکز مخاطب می‌شود.

۱۲- **توصیه به عبرت گرفتن از گذشتگان:** با مطالعه نهج البلاغه متوجه می‌شویم که امام علی (ع) به مطالعه و بررسی احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از آن تأکید بسیاری دارد. برای نمونه در خطبه ۳۲، حضرت از مردم زمان خود شکایت می‌کند و پس از بیان اوضاع و شرایط موجود، آن‌ها را به پند گرفتن از پیشینیان دعوت از پیشینیان خود پند گیرید، پیش از آن‌که پسینیان از شما عبرت گیرند. دنیای نکوهیده را برانید؛ چه او کسانی را از خود رانده است که بیش از شما شیفته آن بوده‌اند».

برای عبرت گرفتن نیاز است رفتار گذشتگان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. درواقع، باید نقادی صورت گیرد. در فرهنگ فارسی امروز، نقاد به کسی گفته می‌شود که خوب و بد، یا عیب و حسن چیزی را شناسایی و ارزیابی کند (حیدری دانایی، ۱۳۸۸: ۱۱).

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت اندیشه ورزی این پژوهش به زوایای مختلف آن از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند به استناد آیات قرآن کریم و احادیث وارده از سوی ائمه به‌خصوص امیر المومنین علی (ع) در کتاب ارزشمند نهج البلاغه توجه خاصی

به تفکر و اندیشه ورزی داده‌شده و می‌بایستی بر همه امور و وجوه زندگی فرد و جامعه تفکر و اندیشه ورزی حاکم باشد. این یافته با نتایج پژوهش جوانبخت و همکاران (۱۳۹۷) و نزهت (۱۳۸۹) همخوان است. لذا موضوعات اندیشه در قرآن و نهج‌البلاغه عبارت‌اند از اندیشه در گسترده طبیعت، آفریده‌های زمینی، آفریده‌های آسمانی، آفریده‌های دریایی، اندیشه در خود، اندیشه در سرنوشت ملت‌ها، تفکر در آفرینش حیوانات مختلف از قبیل طاووس، خفاش، مورچه. همچنین روش‌های پرورش اندیشه عبارت‌اند از روش علم‌آموزی، روش تزکیه نفس، تفکر و اندیشه در طبیعت و جلوه‌ها و مظاهر آن. این یافته با نتایج پژوهش کشاورز و همکاران (۱۳۸۹) همخوان است. راه‌های اندیشه ورزی نیز عبارت‌اند از بهره‌مندی از تجربیات خود و دیگران، عبرت‌پذیری، دوراندیشی، مشورت با عقلا و خبرگان. این یافته با نتایج پژوهش کشاورز و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد. در نهایت شیوه‌های آموزش در قرآن و نهج‌البلاغه ارائه الگو، مصور کردن، طرح سؤال، ایجاد موقعیت تصمیم‌گیری، نقد کردن، طبقه‌بندی، تذکر، تفکر، تأکید بر مطالب مهم بودند. این یافته با نتایج پژوهش اکبری و همکاران (۱۳۹۳) بهشتی (۱۳۷۹) مبنی بر روشهای آموزش در قرآن و نهج‌البلاغه همخوانی دارد.

در قرآن و بیانات امام علی (ع) درباره طبیعت و کشف قوانین آن جلوه‌ها و مظاهر آن، نظیر ابر، زراعت، حیوانات مختلف، دستور اندیشه ورزی داده شده است. در قرآن و بیانات امام علی (ع) اندیشه و تفکر حد و مرزی ندارد و هر آنچه در طبیعت وجود داد و قابل بحث است زمینه تفکر را شکل می‌دهد، خواه انسان باشد، حیوان باشد و یا طبیعت. اندیشه در همه این موارد زمینه شکوفایی اندیشه است. پرورش اندیشه در تفکر و اندیشه در طبیعت و جلوه‌های آن نمایان می‌شود و علم‌آموزش موجب پرورش اندیشه ورزی است. بنابر این زمینه سازی علم‌اندوزی و تفکر درباره طبیعت در جامعه را باید مهیا کرد که این مهم از طریق سه ضلع آموزش و پرورش، خانواده و جامعه صورت می‌گیرد. اندیشه ورزی جای تقلید نیست و شرایط آن را باید مهیا کرد. از جمله در سیستم آموزشی می‌توان به دانش آموز محوری و پرورش تفکر انتقادی در جهت اندیشه ورزی اشاره کرد؛ تفکر انتقادی می‌تواند زمینه اندیشه ورزی را بوجود آورد. همانگونه که در قرآن و بیانات امام علی (ع) مشاهده می‌شود. اندیشه ورزی صرفاً فردی نیست بلکه تجربه دیگران و مشورت می‌تواند در این راه کمک نماید. انسان عاقل و متفکر همیشه به تجربه شخصی نیاز ندارد؛ زیرا بسیاری از مسائل نیاز به تجربه ندارند بلکه عبرت‌گیری می‌تواند کمک نماید. کمک دیگران

و استفاده از تجربیات آنها خود زمینه اندیشه ورزی است. انسان متفکر به جای تجربه بد توسط خود به تجربه بد دیگران اکتفا میکند. تعلیم و تربیت و جامعه باید زمینه سوال محوری و پرورش روحیه کنجکاوی را در افراد تقویت نماید تا بتوان اندیشه ورزی را در جامعه مشاهده کرد. باید بدانیم زندگی جای پرداختن به مسائل حاشیه ایی نیست و آنچه اهمیت دارد و مهم است مورد توجه هر فرد قرار گیرد. در قرآن و بیانات امام علی (ع) پرداختن به مسائل بسیار ولی سطحی را نمیپسند بلکه مسائل مهم و بررسی عمیق آنها را در نظر دارد؛ بنابر این هر چیزی در زندگی ارزش تفکر ندارد. پیشنهاد می شود توجه ویژه و جدی به اصل تفکر و اندیشه ورزی و گنجاندن این مفاهیم در محتوای برنامه های درسی مدارس صورت گیرد و بررسی سند تحول بنیادین و تشریح و تبیین تفکر و اندیشه ورزی در ابعاد مختلف آن برای مشخص کردن اهمیت و جایگاه تفکر و اندیشه ورزی بیشتر مد نظر قرار گیرد.

در نهایت پیشنهاد می شود:

در برنامه درسی مخصوصا در دروسی همچون بینش، مطالعات اجتماعی از اندیشه در گسترده طبیعت، آفریده های زمینی، آفریده های آسمانی، آفریده های دریایی، اندیشه در خود، اندیشه در سرنوشت ملت ها، تفکر در آفرینش حیوانات استفاده شود. در تدریس از روش تزکیه نفس، تفکر و اندیشه در طبیعت و جلوه ها و مظاهر آن استفاده شود تا فراگیران با تفکر و تامل بیشتری به یادگیری بپردازند و زمینه فهم بیشتر شود.

عبرت پذیری آموزی و مشورت با عقلا و خبرگان در یادگیری برای فراگیران بیشتر مد نظر قرار گیرد و آنها را با مشورت و کار گروهی آشنا کرد که در این زمینه میتوان از پروژه های گروهی استفاده کرد

در سیستم آموزشی میتوان به دانش آموز محوری و پرورش تفکر انتقادی در جهت اندیشه ورزی پرداخت؛ تفکر انتقادی میتواند زمینه اندیشه ورزی را بوجود آورد که میتواند به صورت برنامه درسی پنهان یا آشکار در اختیار فراگیران قرار گیرد. به صورت تربیت و جامعه باید زمینه سوال محوری و پرورش روحیه کنجکاوی را در افراد تقویت نماید تا بتوان اندیشه ورزی را در جامعه مشاهده کرد. این عمل میتواند به عنوان یک روش تدریس در نظر گرفته شود و معلمان از آن استفاده نمایند.

در نهایت پیشنهاد می‌شود توجه ویژه و جدی به اصل تفکر و اندیشه ورزی و گنجاندن این مفاهیم در محتوای برنامه‌های درسی مدارس صورت گیرد و بررسی سند تحول بنیادین و تشریح و تبیین تفکر و اندیشه ورزی در ابعاد مختلف آن برای مشخص کردن اهمیت و جایگاه تفکر و اندیشه ورزی بیشتر مد نظر قرار گیرد. محدودیت های پژوهش از مواردیست که پژوهشگر با آن مواجه است که این پژوهش نیز در این زمینه با محدودیت های همچون دسترسی اندک به برخی منابع و سطح همکاری پایین جهت بررسی همزمان نتایج توسط همکاران بود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۸۲) ترجمه دشتی، محمد، قم، انتشارات ارم.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، الحقیق صفوان عدنان داودیریا، دمشق: دارالعلم.

الطباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.

الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی علوم القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

الطوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قیصر عاملی، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.

القرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو. انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی سخن

آلوسی، محمود، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.

باقری، خسرو (۱۳۸۴) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم. تهران، انتشارات مدرسه

باقری، خسرو (۱۳۸۷) درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

بهشتی، سعید (۱۳۷۹) روشهای تربیت عقلانی در سخنان امام علی (ع)، مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع). تهران: انتشارات مرکز مطالعات تربیت اسلامی. زمستان ۱۳۷۹

اندیشه ورزی در آئینه قرآن و نهج البلاغه ۱۹۹

بهزادی، آرین؛ نوذری، نازیانو و اختیاری، حامد (۱۳۸۱) **استدلال**، استنتاج و زبان؛ مروری بر ادبیات و بررسی روش‌های عملی ارزیابی. تازه‌های علوم شناختی، ۴(۴): ۴۰-۵۰.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶) **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، ج ۲۵، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸) **معرفت شناسی در قرآن**. قم: انتشارات اسرا
حافظ شمس‌الدین محمد، با مقدمه محمد اسلامی ندوشن، نسخه غنی - قزوینی، چاپ اول، یساولی، ۱۳۸۲ هـ. ش.

حقیقت جو، حسین، (۱۳۷۶)، **چهل مثل از قرآن**، قم، انتشارات ارم.
حیدری دانایی، افسانه (۱۳۸۸) **تبیین جایگاه نقد اندیشه از دیدگاه اسلام**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).

درویدی، فریبرز (۱۳۸۸) **کاربرد فنون و روش‌های مصورسازی اطلاعات و تأثیر سواد دیداری در فعالیت‌های آموزشی**، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۳۰، ص ۱۰۵-۱۳۸.

دوگر، رضا، (۱۳۸۳) **سخنان ناب اندیشمندان و متفکران منتشر شده در انجمن**.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) **لغت نامه**، تهران، روزنه.

سلیمانی گیلانی، سید جواد (۱۳۹۴) **حقیقت تفکر در نهج البلاغه (مبانی موارد و ثمرات اندیشه‌ورزی از نگاه نهج البلاغه)**، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول.

سلیمانی، ابهری (۱۳۸۷). **آموزش فلسفی کودکان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی**، فصلنامه دانشگاه، قم، ش ۱، ص ۲۱۸-۱۹۹.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۸) **روانشناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)**، تهران: دوران.

شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). **پرورش تفکر**. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه

شریف، رضی (۱۳۷۰) **نهج البلاغه**، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).

شریعتمداری، علی (۱۳۷۵) **تفکر، تفکر انتقادی، تفکر خلاق**، فصلنامه فرهنگستان علوم، سال سوم، ش ۳، ص ۲۲-۳.

شمشیری، بابک (۱۳۸۶) **تبیین عناصر بنیادی پرورش تفکر**، اندیشه‌های نوین تربیتی دانشگاه الزهرا (س)، دوره ۳، ش ۴، ص ۴۱-۶۰.

طباطبایی، محمد حسن (۱۳۹۳ هـ. ق) **المیزان فی تفسیر القرآن**. ترجمه موسوی (۱۳۷۴) ج ۱، ۲، ۱۷، ۲۰. قم: دفتر انتشارات اسلامی

علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۴) **مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی بر اساس فلسفه صدرا**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

۲۰۰ پژوهش‌نامه علوی، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۶) فلسفه آموزش و پرورش. گزارش سند چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترسی در سایت آموزش و پرورش
عمید، حسن (۱۳۷۲). فرهنگ عمید ج ۱. تهران: انتشارات امیر کبیر
فخرالدین رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
فرمهبینی فراهانی، محسن، (۱۳۹۰) تربیت در نهج البلاغه، تهران، نشر آییژ.
فیض الاسلام، علیقتی (۱۳۳۸) ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، فقیه.
قاسم‌پور دهاقانی، علی و بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۸۸). جایگاه اندیشه و اندیشیدن در نظام تربیتی اسلام، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۹، ص ۱۴۰-۱۲۵.
قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۹) اصول و فروع کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامیة.
لینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی. ترجمه مصطفوی (۱۳۴۸) ج ۱. کتاب التوحید. تهران: انتشارات دفتر نشر
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه
محمودی، محمد باقر، (۱۳۷۶)، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، تصحیح: عزیز آل طالب، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
مظلوم خراسانی، محمد و اکبری فریمانی، محمد، (۱۳۸۸). بررسی میزان تفکر انتقادی معلمان آموزش و پرورش شهر فریمان و عوامل مؤثر بر آن، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱، ص ۱۹۷-۲۳۰.
معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ معین ج ۱. تهران: انتشارات امیر کبیر
مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۵)، فی ضلال نهج البلاغه، موسسه دار الکتب الاسلامی، الجزء الخامس، مقصودی، جهانگیر؛ اعتمادی‌فر، شهرام و حقانی، فریبا (۱۳۸۹). راه های پرورش تفکر انتقادی دانشجویان چالشی بزرگ در آموزش بالینی پرستاری، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی (ویژه نامه توسعه آموزش)، ش ۵، ص ۱۱۱۰-۱۱۲۰.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، پیام قرآن، چاپ نهم، تهران: دار الکتب الاسلامی.
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
ملکی، حسن. (۱۳۸۲). دین و برنامه درسی. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان
ملکی، حسن. (۱۳۸۵). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: انتشارات مدرسه
ملکی، حسن. (۱۳۷۹). تربیت عقلانی در در نهج البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن. مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع). تهران: انتشارات مرکز مطالعات تربیت اسلامی زمستان ۱۳۷۹

اندیشه ورزی در آئینه قرآن و نهج البلاغه ۲۰۱

ملکی، حسن، (۱۳۸۶)، پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت، فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، ش ۱۹.

نزهت، ابراهیم، (۱۳۸۹). اندیشه‌ورزی و تفکر خلاق از منظر نهج البلاغه، مجله ادبیات عرب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۲، ص ۱۳۷-۱.

هومن، محمود، (۱۳۸۱)، تاریخ فلسفه، چاپ سوم، تهران، نشر پنگان.

یزدان پناه نوذری، علی. (۱۳۸۵) طراحی الگوی برنامه درسی برای پرورش منش های تفکر دانش آموزان. پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحرير و التنوير، مؤسسه التاريخ.

بحرانی، میثم بن علی بن میثم، قرن ۷، شرح نهج البلاغه، مترجمان ج اول: قربانعلی محمدی مقدم-علی اصغر نوابی یحیی زاده، ۱۳۷۵ ش، مترجم ج دوم: قربانعلی محمدی مقدم، ۱۳۷۵ ش، مترجم جلد ۳: سید محمد صادق عارف، ۱۳۷۰ ش، مترجم ج ۴:

امید، مسعود، (۱۳۸۰) عقل و فلسفه در نهج البلاغه، مجله کیهان فرهنگی، آذر ۸۰، شماره، ۱۸۲(از صفحه ۷۲- تا ۷۹)

برنجکار، رضا (۱۳۸۰) عقل و تعقل در کلام امیر (ع)، قبسات، ش ۱

بهشتی، سعید (۱۳۸۰) آیین خرد پروری، تهران، دانش و اندیشه.

Howell, S. J. (2011). Implications of Classroom Writing Instruction Emphasizing Imagination, Creativity, and Dialogue: A Case Study (Doctoral dissertation, Kent State University).

Wigal, C.M (2009). Special session using rich pictures to improve systemic thinking, Frontiers in Education Conference, , 21 18 Oct., P. 2 1.